# اصول اساسی کارگردانی سینما

## پیش از فیلم برداری، فیلم خود را ببینید

نیکلاس تی. پروفریس
ترجمه‌ی شاپور [illegible]

www.ketab.ir

| | |
|---|---|
| سرشناسه | : پرافرز، نیکلاس تی. |
| | Proferes, Nicholas T. |
| عنوان و نام پدیدآور | : اصول اساسی کارگردانی سینما: پیش از فیلم‌برداری، فیلم خود را ببینید/ نویسنده نیکلاس تی. پروفرس؛ مترجم شاپور عظیمی. |
| مشخصات نشر | : تهران: بنیاد سینمایی فارابی، ۱۳۹۴. |
| مشخصات ظاهری | : ۵۹۱ ص. |
| شابک | : ۳۵۰۰۰۰ ریال: ۹ - ۲۱ - ۲۷۳۹ - ۹۶۴ - ۹۷۸. |
| وضعیت فهرست‌نویسی | : فیپا |
| یادداشت | : عنوان اصلی: Film directing fundamentals: See your film before shooting,3rd ed, 2008 |
| یادداشت | : این کتاب قبلاً تحت عنوان «اصول اساسی کارگردانی سینما: فیلم خود را قبل از فیلم‌برداری ببینید» توسط انتشارات تجربه: شرکت نشر نقد افکا در سال ۱۳۹۳ منتشر شده است. |
| عنوان دیگر | : پیش از فیلم‌برداری، فیلم خود را ببینید. |
| عنوان دیگر | : اصول کارگردانی سینما: فیلم خود را قبل از فیلم‌برداری ببینید. |
| موضوع | : سینما ـ ـ تهیه و کارگردانی |
| شناسه افزوده | : عظیمی، شاپور، ۱۳۴۲ ـ ، مترجم |
| شناسه افزوده | : بنیاد سینمایی فارابی |
| رده‌بندی کنگره | : ۱۳۹۴ ۴ پ ۹ ت /PN ۱۹۹۵/۹ |
| رده‌بندی دیویی | : ۷۹۱/۴۳۰۲۳۳ |
| شماره کتابشناسی ملی | : ۳۹۹۸۱۲۸ |


www.ketab.ir

انتشارات بنیاد سینمایی فارابی

**اصول اساسی کارگردانی بصری**

پیش از فیلم‌برداری، فیلم خود را ببینید

نوبت چاپ: اول، ۱۳۹۴

نویسنده نیکلاس تی. پروفیل
مترجم شاپور عظیمی
مدیر اجرایی مریم رهبر
طراحی جلد علی سمیعی‌مقدم
صفحه‌آرایی حمید کریلی
ناظر چاپ یوسف بزاز
لیتوگرافی و چاپ نقره آبی
صحافی الفبا

شابک: ۹ - ۲۱ - ۲۷۳۹ - ۹۶۴ - ۹۷۸
شمارگان: ۲۰۰۰ نسخه
قیمت: ۳۵/۰۰۰ تومان

کلیه حقوق متعلق به بنیاد سینمایی فارابی و محفوظ است.

نشانی: تهران، خیابان جمهوری اسلامی، خیابان سی تیر، شماره ۷۵، تلفن: ۶۶۷۲۷۸۵۵
مراکز پخش: آوند دانش ۶۶۵۹۱۹۰۹ ققنوس ۶۶۴۶۰۰۹۹

www.ketab.ir

# فهرست


مقدمه مترجم ۲۱
پیش‌گفتار ۲۳
مقدمه ۲۵

بخش اول
زبان فیلم و روش کارگردانی ۳۱

فصل ۱
مقدمه‌ای درباره‌ی زبان و دستور زبان سینما ۳۳
جهان سینما ۳۴
زبان فیلم ۳۵
نماها ۳۶
دستور زبان فیلم ۳۷


www.ketab.ir

قاعده‌ی ۱۸۰ درجه ۳۷
قاعده‌ی ۳۰ درجه ۴۱
جهت روی پرده ۴۳
چپ به راست ۴۳
راست به چپ و بالا ۴۴
جلوآمدن و عقب‌رفتن ۴۵
زمان فیلم ۴۵
فشرده‌سازی ۴۶
جزییات ۴۶
تصویر آشنا ۴۸

**فصل ۲**

**مقدمه‌ای درباره‌ی عناصر دراماتیک تجسم‌یافته در یک فیلم‌نامه ۵۱**
ستون فقرات ۵۲
این فیلم چه کسی است؟ ۵۵
شخصیت ۵۵
شرایط ۵۸
رابطه‌ی پویا ۵۸
خواسته‌ها ۵۹
انتظارات ۶۰
کنش‌ها ۶۰
عمل ۶۱
ضرب‌های کنشی ۶۱
بلوک‌های دراماتیک ۶۲
عقل / گمراهی / تهدید / التماس ۶۳
ضرب‌های روایی ۶۳
بزنگاه ۶۴

www.ketab.ir

## فصل ۳

**سازماندهی کنش در یک صحنه‌ی دراماتیک** ۶۵
عناصر دراماتیک در صحنه‌ی ایوان «بدنام» اثر آلفرد هیچکاک ۶۷
شرایط ۶۷
صحنه از آنِ کیست؟ ۶۷
انتظار ۶۸
خواستهای صحنه ۶۸
روابط ۶۸
تشریح صحنه‌ی ایوان ۶۹

## فصل ۴

**صحنه‌پردازی** ۷۹
الگوهای حرکت دراماتیک ۸۴
شخصیت‌های «الف» و «ب» جدا از هم‌اند، با هم ملحق می‌شوند ۸۵
شخصیت‌های «الف» و «ب» با هم هستند، از هم جدا می‌شوند ۸۵
تغییر صحنه‌پردازی درون یک صحنه ۸۶
صحنه‌پردازی به عنوان بخشی از طراحی فیلم ۸۷
کار با طرح کف یک لوکیشن ۸۸
طرح کف برای صحنه‌ی ایوان در فیلم «بدنام» ۸۸
اولین قالب دراماتیک ۸۹
دومین قالب دراماتیک ۹۰
سومین قالب دراماتیک ۹۰
چهارمین قالب دراماتیک ۹۰
پنجمین قالب دراماتیک ۹۱

## فصل ۵

**دوربین** ۹۵

www.ketab.ir

دوربین در مقام راوی ۹۶
آشکارسازی ۹۷
ورودها ۹۷
دوربین عینی ۹۸
دوربین ذهنی ۹۸
کجا قرارش بدهم؟ ۹۹
طراحی بصری ۱۰۵
سبک ۱۰۵
پوشش ۱۰۷
ارتفاع دوربین ۱۰۸
لنزها ۱۱۰
ترکیب‌بندی ۱۱۲
از کجا شروع کنیم؟ ۱۱۳
به سوی اختصاصی‌شدن تصویرسازی ۱۱۴
به دنبال نظم ۱۱۵
قالب‌های دراماتیک و دوربین ۱۱۵
فهرست برداشت‌ها؛ استوری‌بردها و محل دوربین ۱۱۵
استوری برد به نثر ۱۱۷
بزنگاه و شروع قالب دراماتیک سوم ۱۱۸
قالب دراماتیک چهارم ۱۱۹

**دوربین در صحنه‌ی ایوان ۱۲۱**
اولین قالب دراماتیک ۱۲۳
اتاق نشیمن/ آپارتمان آلیشیا ۱۲۳
اتاق نشیمن ۱۲۳
قالب دراماتیک دوم ۱۲۷

www.ketab.ir

سومین قالب دراماتیک ۱۳۲
قالب چهارم دراماتیک و بزنگاه ۱۳۵
قالب دراماتیک پنجم ۱۳۹

**بخش دوم**

**فیلم‌تان را بسازید ۱۴۵**

**فصل ۷**

**کار دقیق روی فیلم‌نامه‌ها ۱۴۷**
خواندن فیلم‌نامه‌تان ۱۴۸
فیلم‌نامه‌ی یک پای سیب ۱۴۹
این فیلم چه کسی است؟ ۱۵۶
شخصیت ۱۵۶
شرایط ۱۵۸
نقاط عطف مربوط به یک تکه پای سیب ۱۵۹
ارتباطات پویا ۱۶۰
خواسته‌ها ۱۶۱
کنش‌ها ۱۶۲
ضرب‌های کنشی ۱۶۲
فعالیت ۱۶۳
لحن در «یک تکه پای سیب» ۱۶۳
تجزیه‌ی یک تکه پای سیب به کنش‌ها ۱۶۴
طراحی یک صحنه ۱۶۵
تجسم کردن ۱۶۵
تشخیص بزنگاه و قالب‌های دراماتیک ۱۶۶
تدارک ضرب‌های روایی برای یک تکه پای سیب ۱۶۷
دفتر یادداشت کارگردان ۱۷۷

www.ketab.ir

## فصل ۸

**میزانسن و دوربین در یک تکه پای سیب** ۱۷۹
میزانسن ۱۸۰
دوربین ۱۸۴
جای دوربین در یک تکه پای سیب ۱۹۰
شروع قالب دراماتیک اول ۱۹۰
شروع قالب روایی دوم ۱۹۹
پایان دو قالب دراماتیک ۲۰۷
شروع قالب سوم روایی ۲۰۷
شروع قالب روایی چهارم ۲۱۶
نتیجه‌گیری ۲۱۹

## فصل ۹

**علامت‌گذاری فیلم‌نامه‌ی مخصوص فیلم‌برداری با جاهای دوربین** ۲۲۱

## فصل ۱۰

**کار با بازیگران** ۲۳۱
انتخاب بازیگر ۲۳۵
تعاریف شخصیت ۲۳۶
گزینش صحنه‌ها ۲۳۷
آزمون بازیگری ۲۳۸
دنبال چه هستید؟ ۲۳۹
اولین دورخوانی ۲۴۱
کارگردانی هنگام تمرین ۲۴۲
کار تحقیقی را کنار بگذارید ۲۴۲
ایجاد فضای درست ۲۴۳
استفاده‌ی مؤثر از زمان تمرین ۲۴۴

www.ketab.ir

چه می‌بینید؟ ۲۴۴
با شخصیت حرف بزنید ۲۴۵
اگر خراب شده؛ درستش کنید ۲۴۶
بداهه‌پردازی‌ها ۲۴۸
آیا می‌شود بیش از حد تمرین کرد؟ ۲۴۹
کارگردانی بازیگران سر صحنه ۲۴۹

## فصل ۱۱

**وظایف مدیریتی کارگردان** ۲۵۳
محول‌کردن اختیارات اما پذیرش مسئولیت ۲۵۴
تهیه‌کننده ۲۵۵
دستیار کارگردان ۲۵۷
یک برنامه‌ریزی واقع‌بینانه برای فیلمبرداری ۲۵۸
کارکردن با گروه فیلم‌سازی ۲۵۹
کار کردن با مدیر فیلم‌برداری ۲۵۹

## فصل ۲

**مرحله‌ی پس از تولید** ۲۶۱
تدوین ۲۶۲
سرهم‌کردن نماها از سوی کارگردان ۲۶۳
اولین راف کات ۲۶۴
برش نهایی ۲۶۶
موسیقی و صدا ۲۶۶
نهایی کردن تصویر یا چه موقعی پی می‌برید کار تمام است ۲۶۸
یک بیننده و یک پرده‌ی عظیم ۲۶۹

# بخش سوم

**سازمان‌دهی کنش در یک صحنه‌ی پرکشش** ۲۷۱

www.ketab.ir

## فصل ۱۳


**میزانسن و دوربین برای صحنه‌ی پرکشش** ۲۷۵
پرورش فیلم‌نامه ۲۸۰
آمادگی کارگردان برای کارگردانی یک صحنه‌ی پرکشش ۲۸۱
از کجا باید شروع کرد؟ ۲۸۱
دکوپاژ و زوایای دوربین برای طراح استوری‌برد و صحنه‌ی پرکشش over easy ۲۸۴


## بخش چهارم


**سازماندهی کنش در یک صحنه‌ی روایی** ۳۲۳


## فصل ۱۴


**میزانسن و دوربین در صحنه‌ی روایی فیلم «وندا»** ۳۳۷
وظیفه‌ی این صحنه چیست؟ ۳۳۹
این صحنه از آنِ چه کسی است؟ ۳۳۹
وظایفی که در این صحنه باید انجام شوند ۳۴۰
انتخاب یک لوکیشن ۳۴۱
صحنه‌پردازی ۳۴۱
سبک دوربین در واندا ۳۴۱


## بخش پنجم


آموختن حرفه‌ی کارگردانی از طریق تحلیل فیلم ۳۷۷


## فصل ۱۵


**«بدنام» اثر آلفرد هیچکاک** ۳۸۱
مروری بر سبک و طراحی ۳۸۲
دوربین به عنوان یک راوی فعال ۳۸۲
دوربین ذهنی ۳۸۳
انتقالات ۳۸۳


www.ketab.ir

ورودها ۳۸۳
کارگردانی هنری و طراحی تولید ۳۸۴
در این فیلم دنبال چه چیزی هستیم؟ ۳۸۴
پرده‌ی اول ۳۸۴
پرده‌ی دوم ۳۹۰
پرده‌ی سوم ۴۱۴
چکیده ۴۱۶

**فصل ۱۶**

**«نمایش ترومن» اثر پیتر ...** ۴۱۷
مختصری در مورد سبک و طراح... ۴۱۸
راوی فعال ۴۱۸
صدای ضدقهرمان ۴۱۹
ورودها ۴۲۰
کارگردانی هنری و طراحی تولید ۴۲۰
در این فیلم منتظر چه هستیم؟ ۴۲۱
پرده‌ی اول ۴۲۱
پرده‌ی دوم ۴۳۲
پرده‌ی سوم ۴۵۴
چکیده ۴۶۳

**فصل ۱۷**

**«هشت و نیم» اثر فدریکو فلینی** ۴۶۵
یک شاهکار؟ ۴۶۶
کارگردان در مقام مؤلف ۴۶۷
ساختمان دراماتیک ۴۶۸
مرور سبک و طراحی فیلم ۴۶۹


www.ketab.ir

راوی عینی ۴۶۹
صدای ذهنی ۴۶۹
انتقالات ۴۶۹
ورودها ۴۷۰
کارگردانی هنری و طراحی تولید ۴۷۰
ما در این فیلم دنبال چه هستیم ۴۷۰
پیدا کردن سرنخ‌ها ۴۷۲
شخصیت ۴۷۲
عطف ۴۷۳
پرده‌ی اول ۴۷۳
رویا ۴۷۳
واقعیت ۴۷۵
رفت و برگشت میان واقعیت و تخیل فعال ۴۸۰
واقعیت ۴۸۱
رویا ۴۸۸
واقعیت ۴۸۹
پرده‌ی دوم ۴۹۶
خاطره ۴۹۶
واقعیت ۴۹۸
میان برش به واقعیت و تخیل فعال ۵۰۰
واقعیت ۵۰۰
درونمایه و سازماندهی سکانس بعدی ۵۰۱
خاطره ۵۰۴
واقعیت ۵۰۸
فانتزی ۵۰۹
واقعیت ۵۱۰
خیالبافی ۵۱۴

www.ketab.ir

فانتزی ۵۱۴
پرده‌ی اول ۵۱۵
پرده‌ی دوم ۵۱۷
پرده‌ی سوم ۵۱۷
واقعیت ۵۱۹
فانتزی ۵۲۰
واقعیت ۵۲۰
تخیل فعال ۵۲۲
واقعیت ۵۲۲
پرده‌ی سوم ۵۲۳
فانتزی یا کابوس؟ ۵۲۴
واقعیت ۵۲۷
تخیل ۵۲۸
چکیده ۵۲۹

## فصل ۱۸

**سبک‌ها و ساختارهای دراماتیک ۵۳۱**
سبک ۵۳۲
سبک‌های روایی دراماتیک و شاعرانه ۵۳۵
تنوع ساختارهای دراماتیک ۵۳۵
داستان توکیو؛ یاساجیرو ازو (۱۹۵۳؛ ژاپن) ۵۳۶
ساختار دراماتیک ۵۳۶
سبک ۵۳۷
بعضی‌ها داغشو دوست دارند؛ بیلی وایلدر (۱۹۵۹) ۵۳۹
ساختار دراماتیک ۵۳۹
نبرد الجزیره؛ جیلو پونته کورووو (۱۹۶۵؛ فرانسه) ۵۴۱
ساختار دراماتیک ۵۴۱

www.ketab.ir

سبک ۵۴۳
قرمز؛ کریستف کیسلوفسکی (۱۹۹۴؛ لهستان؛ فرانسه: سوییس) ۵۴۴
ساختار دراماتیک ۵۴۴
سبک ۵۴۶
جنسیت دروغ و نوار ویدئو (۱۹۸۹) ۵۴۸
ساختار دراماتیک ۵۴۸
سبک ۵۴۹
می‌شه رقصیم؟؛ ماسایوکی سوو (۱۹۹۶؛ژاپن) ۱۵۵
ساختار دراماتیک ۵۵۱
سبک ۵۵۳
جشن؛ توماس وینتربرگ (دانمارک؛ ۱۹۹۹) ۵۵۵
ساختار دراماتیک ۵۵۵
سبک ۵۵۷
نفوذی؛ مایکل مان (۱۹۹۹) ۵۵۹
ساختار دراماتیک ۵۵۹
سبک ۵۶۰
خط باریک سرخ؛ ترنس مالیک (۱۹۹۸) ۵۶۳
ساختار دراماتیک ۵۶۳
سبک ۵۶۳
در حال و هوای عشق؛ وونگ کارواى (۲۰۰۱؛ چین) ۵۶۵
ساختار دراماتیک ۵۶۵
سبک ۵۶۶
بچه‌های کوچک؛ تاد فیلد (۲۰۰۶) ۵۶۹
ساختار دراماتیک ۵۶۹
سبک ۵۷۰

**فصل ۱۹**

**چه چیز دیگری باقی مانده؟** ۵۷۳

www.ketab.ir

پرورش‌دادن عضلات کارگردانی ۵۷۶
نوشتن برای کارگردان ۵۷۷
شروع کنید به فکرکردن به داستانتان ۵۷۸
به‌عمل آوردن فیلم‌نامه‌ی سینمایی‌تان ۵۸۰
صحنه‌ها را با بازیگران «بنویسید» ۵۸۱
پیش از اتمام فیلم‌نامه: فیلم‌تان را فیلم‌برداری کنید ۵۸۲
فیلم‌نامه‌ی نمایی ۵۸۳
فیلم‌برداری بدون فیلم‌نامه؟ ۵۸۳
پرسش‌هایی که کارگردان‌ها باید در مورد فیلم‌نامه‌شان بپرسند ۵۸۴
نتیجه‌گیری ۵۸۶

**ضمیمه: کتاب‌شناسی** ۵۸۹

www.ketab.ir

# مقدمه مترجم

خیلی سال پیش در سر کلاس کارگردانی در دانشکده سینما تئاتر واقع در خیابان ورزنده؛ استاد کارگردانی ما که یکی از فیلمسازان بنام سینمای ایران است و برایش آرزوی طول عمر با برکت دارم و با احترام هر چه فراوان از او یاد می‌کنم؛ جمله‌ای را در مورد موفقیت یا عدم موفقیت یک فیلم نزد تماشاگران بر زبان آورد که هنوز در گوشم زنگ می‌خورد و هر جایی که امکانش فراهم بیاید از این جمله به فراوانی نقل قول کرده‌ام. ایشان می‌فرماید: «می‌دانید چرا تماشاگر از یک فیلم خوشش می‌آید و یا از فیلم دیگری استقبال نمی‌کند؟ دلیلش تنها یک چیز است و آن پاژ» این ادعای بسیار بزرگی است اما حقیقتی در خود دارد. دستور زبان سینما مانند یک دستور زبان گفتاری و نوشتاری عمل می‌کند. اگر انشای شما پر از غلط باشد؛ سینما مخاطب آن را دوست نخواهد داشت. یک نوشته را زمانی زیبا می‌دانیم که دستور زبان را به‌طور دقیق رعایت کرده باشد و از ظرفیت‌های زبانی استفاده کرده باشد. همواره به دلیل رویارویی با فیلم‌های سینمای ایران و در مقام کسی که در مورد فیلم‌ها می‌نویسد؛ به این نکته دقت کرده‌ام که در موارد بسیار زیادی؛ ضعف سینمای خودمان را در کارگردانی یافته‌ام. شوربختانه از سالیان دور نقل قولی ـ که قائلش را ای کاش می‌یافتیم ـ مانند نقل و نبات در دهان دست‌اندرکاران سینمای ایران دست به دست

www.ketab.ir

می‌شـــود؛ بی‌آن‌که به این فکر شود که چنین نقل قولی تا چه اندازه اعتبار دارد و آن این است که: «مشکل سینمای ایران؛ فیلم‌نامه است» در این‌جا و پس از حدود سی سال تماشای فیلم‌های سینمای ایران و ارزیابی بسیاری از آن‌ها در نوشته‌هایم؛ به این نتیجه رسیده‌ام که مشکل سینمای ایران در وهله‌ی نخست؛ کارگردانی است و البته در مراحل بعد تدوین؛ بازیگری؛ طراحی صحنه و لباس؛ مدیریت تولید و... فیلم‌نامه است. بر این سال در حد بضاعت سعی کرده‌ام که اقدام به ترجمه‌ی کتاب‌هایی در زمینه‌ی کارگردانی بکنم که ترجمه‌ی کتاب حاضر درواقع گام دیگری است که در این مورد برداشته می‌شود. امیدوارم بتوانم کتاب‌های دیگری در زمینه‌ی کارگردانی ـ که تعدادشان کم هم نیست و توانسته‌ام آن‌ها را فراهم کنم ـ ترجمه کنم. در انتها از مساعدت جناب آقای نصرت‌الله تابش مدیریت محترم انتشارات بنیاد سینمایی فارابی تشـــکر می‌کنم که پیشنهاد ترجمه‌ی این کتاب را به سرعت پذیرفتند. امیدوارم این کتاب به یاری خداوند متعال ـ واقعی خودش را پیدا کند.

خدا را شکر

**شاپور عظیمی**

فروردین ۱۳۹۴

www.ketab.ir

# پیش‌گفتار

چگونه کارگردانی فیلم را می‌آموزید؟ کتاب نیک پروفرس، **اصول اساسی کارگردانی سینما** با فراهم‌آوردن یک روش‌شناسی روشن و فشرده برای دانشجوی کارگردانی؛ به‌طور کامل به این پرسش پاسخ می‌دهد. این تنها کتابی است که هم هنر و هم حرفه‌ی کارگردانی را دربر می‌گیرد. این کتاب نه‌تنها فرایندی گام به گام را دنبال می‌کند بلکه به شکلی خواننده را درگیر می‌کند که انگار سر کلاس نیک نشسته است. زبان او پیچیده نیست و از مثال‌هایی عالی و واضح استفاده می‌کند و عمیقاً آن‌ها را تحلیل می‌کند تا به بهترین شکل به هر مبحث نزدیک شوید.

وقتی برای اولین‌بار در دانشگاه کلمبیا شروع به تدریس کردم؛ دنبال پیشنهاد متنی به دانشجویان سینما که می‌خواستند کارگردان شوند؛ کتاب‌های زیادی را زیرورو کردم. برخی کتاب‌ها آموزنده اما به‌شدت تکنیکی بودند و به‌راحتی نمی‌شد آن‌ها را دنبال کرد. کتاب‌های دیگری هم مسئله را بیش از حد ساده گرفته و یا به کارگردان به‌خصوصی پرداخته بودند. هیچ‌یک به دانشجویان رویکردی منسجم و محسوسی ارائه نمی‌کردند. در دانشگاه کلمبیا، نیک این نقیصه را با یک دوره تدریس به تمامی دانشجویان تازه‌وارد برطرف کرد. تمرکز او روی کارگردان‌هایی است که آموزش می‌بینند تا از همان ابتدا تماشاگران خود را به‌لحاظ عاطفی درگیر داستان‌شان کنند،

www.ketab.ir

سپس او کمک می‌کند تا کارگردان پیشرفت تدریجی و دراماتیک همان داستان را سازمان‌دهی کند. سازمان‌دهی کنش از طریق قالب‌های دراماتیک، ضربات روایی و تکیه‌گاهی که حول آن یک صحنه‌ی دراماتیک پیش می‌رود؛ جزو چیزهایی است که نیک برای اولین مرتبه آن‌ها را مشخص می‌سازد.

**اصول اساسی کارگردانی سینما** همچنین تحلیل دقیقی از سه فیلم سینمایی در اختیار خواننده قرار می‌دهد تا این فرصت را فراهم سازد که ببیند چگونه عناصر دراماتیک به‌عنوان ابزار به‌کار برده می‌شوند. این کتاب تقریباً به شکل نما به نما به ساختار دراماتیک و صدای راوی در **بدنام** ساخته‌ی هیچکاک؛ **هشت‌ونیم** اثر فلینی و **نمایش تومن** ساخته‌ی پیتر ویر می‌پردازد و در یازده فیلم دیگر سبک و ساختار دراماتیک را بررسی می‌کند.

این کتاب دو بخش چشم‌گیر هم دارد که به چاپ سوم ـ حاضر ـ اضافه شده‌اند: «سازمان‌دهی حرکت در صحنه‌های پرتنش» و «سازمان‌دهی حرکت در صحنه‌های روایی» که روش‌شناسی کتاب را به دیگر اشکال بیان سینمایی گسترش داده‌اند. همچنین دو فیلم تازه **در حال و هوای عشق** و **بچه‌های کوچک** نیز به کتاب افزوده شده که مقایسه‌ی هوشمندانه‌ی سبک‌ها و ساختار روایی این دو فیلم نیز هست.

اگرچه چند سالی به‌عنوان هنرمند و کارگردان مشغول کار بوده‌ام اما تا وقتی که راهم را حقیقتاً پیدا نکردم؛ این القاب درخور من نبودند. برای من به‌عنوان مدرس و فیلم‌ساز؛ داشتن کتابی که روند فیلم‌سازی را این‌قدر دقیق دنبال می‌کند؛ ارزشمند است. هنگام کار بر روی آخرین فیلمم؛ قبل از شروع، هنگام ساختن و پس از انجام آن؛ با این کتاب رایزنی می‌کردم. یقیناً این کتاب را بارها و بارها مورد استفاده قرار خواهم داد.

**بت گوردن**

رییس و سرپرست بخش فیلم در دانشگاه کلمبیا

کارگردان فیلم‌هایی مانند **واریته**، **حرکت واضح** و **هری جذاب**

www.ketab.ir

# مقدمه

هیجان؛ اشـــتیاق؛ زیبایی؛ تعجب؛ خنده و گریه؛ چیزهایی‌اند که ممکن است هنگام برنامه‌ریزی برای ساخت یک فیلم به آن‌ها فکر کنیم اما نمی‌توان این چیزها را درک کرد مگر این‌که دیدگاه کارگردان به یک فهم اســـتوار و ثابت از حرفه‌ی کارگردانی گرایش داشته باشد. با چنین هدفی کتاب حاضر به دنبال این است که شما را با جنبه‌های مفهومی این حرفه آشنا سازد و روشی گام به گام به شما ارائه کند که از فیلم‌نامه تا پرده‌ی سینما با شما خواهد بود. این روش بر اساس تجربیات حرفه‌ای خودم از این حرفه؛ به‌عنوان کارگردان، فیلم‌بردار، ویرایشگر؛ تهیه‌کننده؛ نویسنده و مدرس فیلم‌سازی به مدت ۲۳ سال در دانشگاه کلمبیا در بخش سینما شکل گرفته است. من در بیش از ۱۰۰ دوره‌ی نیم‌سال تحصیلی ورک‌شاپ‌های کارگردانی برگزار کرده‌ام که دانشجویان در آن‌ها صدها فیلم ساخته‌اند و خودم شخصاً استاد راهنمای متجاوز از ۱۰۰ پایان‌نامه‌ی رشته‌ی سینما بوده‌ام. به عنوان یـــک مدرس این را دریافتم که به یک متن جامع و اساســـی پیرامون کارگردانی نیاز داریم. برای این‌که از نوشـــتن چنین متنی طفره بروم؛ یک‌سری سخنرانی در دانشگاه و در سمینارهایی در اروپا ترتیب دادم. با این حال دانشجویانم همچنان دنبال یک کتاب بودند. من با یک دســـتنویس ۳۰ صفحه‌ای کارم را شروع کردم

www.ketab.ir

که در طول سال‌ها به این نسخه‌ی نهایی تبدیل شد. در سراسر این کتاب تأکید من بر حرفه‌ی قصه‌گویی روایی به مفهوم «کلاسیک» آن است. هدف این است که یک جعبه ابزار ارائه کنم که پر از ابزارهایی باشد که بتوان از آن‌ها استفاده کرد و در روایت هر نوع داستانی به مهارت دست یافت. دلم می‌خواهد دانشجویان کارگردانی در کارشان ورزیده شوند.

در کتاب حاضر این را در مورد تماشاگران فرض کرده‌ام که قرار است آن‌ها در یک داستان سینمایی درگیر شوند. هر چه در این کتاب آمده بر اساس چنین هدفی شکل گرفته که از نظر من قابل ستایش است. انسان‌ها به روایت نیاز دارند. همیشه داشته‌اند. روایت نقش مهمی در تمامی فرهنگ‌های مختلف جهان دارد و شاید حتی در پرورش گونه‌هایی از خود این فرهنگ‌ها نیز مؤثر بوده است. ما طوری برنامه‌ریزی شده که به‌جز دلمشغولی برای بقای ما؛ به محرک‌های وارد شده معنا ببخشد. من، ما، همگی؛ از جمله نیاکان ما ۴۰ هزار سال است به دنبال داستان‌سرایی بوده‌ایم. حرکتی لابه‌لای علف‌ها؛ پرنده‌ای که به پرواز درمی‌آید؛ یک آرایش نامعمول در یک انسان اولیه که ممکن است همه‌ی این‌ها را به هم مرتبط کند و سناریویی از خرامیدن یک یوزپلنگ را بپروراند که دارد به سوی او می‌خرامد.

وقتی کار تدریس را آغاز کردم؛ دانشجویان از من می‌پرسیدند در مورد فیلم‌سازی چه کتابی باید بخوانند و من به آن‌ها می‌گفتم شوی عزیز، نامه‌های ون‌گوگ به برادرش را بخوانند. همچنان فکر می‌کنم هر کسی تمایل دارد کارگردان شود، باید این کتاب را بخواند. مسلماً نه برای مهارت پیداکردن در فیلم‌سازی بلکه پی بردن به فرایند خلق هنر به واسطه‌ی پیشرفت دقیق در حرفه‌ی نقاشی. ون گوک سال‌ها با ذغال طراحی می‌کرد. ساعات بی‌شماری را صرف طراحی از کارگرانی می‌کرد که زمین را برای بیرون‌کشیدن سیب‌زمینی می‌کاویدند. به لباس‌هایشان زل می‌زد تا استخوان‌ها و عضلاتی را که زیرشان بود؛ تصور کند. او تمهیدی زمخت برای پرسپکتیو ابداع کرد که می‌توانست مهارت خارق‌العاده‌ی یک هنرمند نخبه را در او آشکار سازد.

www.ketab.ir